



## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۸ آبان ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۶ جمادی الاول ۱۴۴۶

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ - بخش سوم: «و ادخلوا الباب سجدا» -

جلسه: ۱۴

مطلب سوم: معنای «سجدا» - احتمال سوم، چهارم، پنجم و ششم و بررسی آنها - نتیجه

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در بخش سوم آیه ۵۸ بود؛ دو مطلب را در این بخش بیان کردیم. مطلب سوم مربوط به معنای «سجدا» بود؛ گفتیم در این واژه چند احتمال وجود دارد؛ دو احتمال را ذکر کردیم.

### ادامه مطلب سوم

#### احتمال سوم

احتمال سوم این است که با حالت انحنا و رکوع وارد در این باب شوید؛ علت آن هم ضیق بودن و کوتاه بودن و کوچک بودن آن دری بود که باید از آن وارد می‌شدند. پس امر به ورود از این باب در حالت سجده، یعنی امر به ورود در حالت انحنا که مثل رکوع است. این هم در واقع یک تعبد و یک دستور نبوده که شما باید این چنین رفتار کنید؛ آن در هم کوچک و هم تنگ و هم کوتاه بوده؛ لذا ناچار به انحنا می‌شد هر کسی که می‌خواست وارد شود.

#### بررسی احتمال سوم

این احتمالی است که نمی‌توان با آن همراهی کرد؛ چون اگر در کوچک و کوتاه بوده، پس قهراً اینها باید حالت انحنا پیدا می‌کردند و اضطراب به انحنا داشتند. بنابراین حتی اگر امر هم نبود، باید با حالت انحنا وارد می‌شدند. آن وقت جای این اشکال هست که دیگر چه نیازی به امر بود؟ بدون این امر هم خواه ناخواه باید این کار صورت می‌گرفت. لذا امری که هیچ فایده‌ای در آن نباشد و امکان تعبد در آن نباشد، قابل پذیرش نیست. اینکه بگوییم این امر ارشاد بوده، با توجه به آیه بعد که به نوعی به تخلف و سرپیچی بنی‌اسرائیل از این اوامر اشاره دارد، قابل قبول نیست؛ چون اینطور نبود که مضطر به انحنا باشند. مگر اینکه «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي» را اشاره به مخالفت با خصوص امر چهارم بدانیم؛ یعنی بگوییم در موارد دیگر مخالفت نبوده و مخالفت فقط در مورد «قولوا حطّة» بوده که این قول را تغییر دادند. این هم خالی از اشکال نیست؛ برای اینکه ما اجمالاً از سرپیچی‌های بنی‌اسرائیل نسبت به اوامر دیگر هم اطلاع داریم و اشاره به آن شده است؛ هم برای دخول در حالت سجده و هم درباره دخول در قریه. لذا این احتمال با ملاحظه نکاتی که گفتیم، خالی از اشکال نیست.

#### احتمال چهارم

احتمال چهارم این است که منظور از «سجدا» یعنی حالت خضوع و خشوع که این امر درونی است؛ یک فعل جوانحی است و نه جوارحی. علت اینکه حمل بر این معنا می‌شود، چه بسا همان اشکالی بود که در احتمال اول گفتیم؛ بالاخره سجده به معنای اصطلاحی یعنی وضع الجبهة علی الارض یا الصاق الوجه علی الارض، اینجا اساساً معقول نیست؛ نمی‌شود هم حرکت باشد و هم وضع الجبهة علی الارض یا الصاق الوجه علی الارض. این دو با هم قابل اجتماع نیست. پس ما از آن معنای ظاهر

متعارف ناچاریم رفع ید کنیم و حمل کنیم بر معانی دیگر؛ در میان سایر معانی، این معنا اقرب به مراد و مقصود متکلم است. پس اینجا کأن خداوند به بنی اسرائیل امر می‌کند که با حالت خضوع و خشوع در برابر اوامر الهی وارد شوید. این خضوع و خشوع هم آماده‌سازی و زمینه‌سازی برای آن امر بعدی بوده و اینکه از سیئات و نافرمانی‌های گذشته خودشان را تطهیر کنند و به زبان هم استغفار و درخواست آمرزش داشته باشند؛ آنگاه در آنجا بمانند و از نعمت‌های خداوند بهره‌مند شوند. لذا احتمال چهارم، احتمالی است که شاید تا اینجا از میان این چهار احتمال، اولی باشد و بر آنها رجحان داشته باشد.

#### احتمال پنجم

احتمال پنجم که برخی از اهل تفسیر آن را مطرح کرده‌اند، این است که شما وارد در باب شوید، للسجدة أى للسجدة و العبادة و الاستغفار. یعنی اساساً ورود شما به این قریه و سکونت گزیدن شما در آنجا، برای این منظور است که آنجا به استغفار و انابه و عبادت و سجده بپردازید. پس سجده کأن یک غایتی است برای ورود؛ ادخل الباب لغایة السجدة، ادخل الباب لنفس السجدة و العبادة. بعضی از مفسرین این را گفته‌اند.<sup>۱</sup> این احتمال هم چندان با ظاهر آیه سازگار نیست. اینکه ما «سجدا» را به معنای خضوع بگیریم، حتماً رجحان دارد بر این معنا.

#### احتمال ششم

احتمال ششم را برخی از مفسرین گفته‌اند. احتمال ششم این است که منظور از «سجدا» یعنی با حالت خمیده و انحنای به گونه‌ای که یک نوع مراقبت هم از خود و هم نسبت به دیگران در آن باشد. برای اینکه به ذهن تقریب شود، دیده‌اید کسی که می‌خواهد با احتیاط از یک جایی کسب اطلاع کند یا می‌خواهد مثلاً به نحو محتاط‌آمیز وارد یک مکان شود، به گونه‌ای وارد می‌شود که هم اوضاع را بسنجد که مبادا کسی به او آسیب برساند و هم آمادگی پیدا کند برای ورود با احتیاط. یعنی کأن یک نوع ورود خاص که حکایت از احتیاط و مراقبت می‌کند؛ علت آن هم این بود که اینها از قبل نسبت به حضور عمالقه در این قریه نگران بودند و ترس داشتند. وقتی خداوند دستور داد که اینها وارد شوند و حضرت موسی فرمان خدا را ابلاغ کرد، اینها به موسی عرض کردند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا»، گفتند تو و خدایت بروید با اینها بجنگید، بعد که اینها کارشان به سرانجام رسید، ما وارد می‌شویم. اینجا برخی احتمال دادند که چون چنین نگرانی و ترسی از عمالقه در وجود بنی اسرائیل بود، خداوند دستور داد با حالت خمیدگی و انحنای که به نوعی اشعار به آن حالت دقت و مراقبت و احتیاط دارد، وارد شوند.<sup>۲</sup>

#### بررسی احتمال ششم

این احتمال هم خلاف ظاهر آیه است؛ اگر این حالت (بدون اشاره به خضوع و خشوع یا مثلاً حالت سجده اصطلاحی) مقصود بود، دلیلی نداشت که این تعبیر را به کار ببرد. می‌توانست از الفاظ و واژه‌هایی که به نوعی واضح‌تر این معنا را برساند، استفاده کند. لذا این خلاف ظاهر این معنا و این اصطلاح است؛ بنابراین این احتمال هم مردود است.

#### نتیجه

در مجموع از میان این احتمالات شش‌گانه، شاید آن احتمالی که با مجموع این آیات و سیاق این آیه و آیات قبل و بعد سازگار است، همان احتمال چهارم است که منظور خضوع و خشوع است؛ یعنی به این سرزمین با آن قداست و مبارک بودنش

۱. آلاء الرحمن، ص ۹۵.

۲. التحرير و التئوير، ج ۱، ص ۵۱۴.

با این حالت وارد شوید؛ با حالت استغفار، سجده، انابه و توبه. لذا در مجموع این احتمال از میان این احتمالات قابل قبول است.

ما تا اینجا بخش سوم این آیه را ... البته یک روایتی اینجا ذیل این آیه وجود دارد: «عَنِ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا إِنَّ ذَلِكَ حِينَ فَصَلَ مُوسَى مِنْ أَرْضِ التِّيهِ فَدَخَلُوا الْعُمْرَانَ وَ كَانَ بَنُو إِسْرَائِيلَ أَخْطَأُوا خَطِيئَةً فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُنْقِذَهُمْ مِنْهَا إِنْ تَابُوا فَقَالَ لَهُمْ إِذَا أَنْتَهَيْتُمْ إِلَى بَابِ الْقَرْيَةِ فَاسْجُدُوا وَ قُولُوا حِطَّةٌ»<sup>۱</sup> این زمانی بود که موسی از آن سرزمین جدا شد و بر عمران داخل شد؛ بنی اسرائیل خطا کردند و خداوند خواست آنها را نجات بدهد، البته به شرط اینکه توبه کنند؛ لذا فرمود «إِذَا أَنْتَهَيْتُمْ إِلَى بَابِ الْقَرْيَةِ فَاسْجُدُوا»، وقتی رسیدید به باب این قریه، خدا را سجده کنید. این ظهورش در همان معنای اصطلاحی سجده است. این کأن می شود یکی از احتمالات؛ منتها ما گفتیم اول سجده کنند و بعد وارد شوند؛ این با آن احتمال هم می سازد و این یکی از آن احتمالات است.

### بحث جلسه آینده

بحث از این بخش تمام شد؛ ان شاء الله در جلسه آینده بخش چهارم را بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»